

کارکردهای قصه و قصه‌گویی بر کودکان



قصه‌گویی

و تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی

رحیمه منصوری گرگر
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

اشاره

قصه‌ابزاری برای انتقال فرهنگ شفاهی و ایجاد ارتباط کلامی و غیرکلامی مؤثر بین دانش‌آموزان است که با هدایت معلم شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. همچنین، محملی است که با تقویت زمینه‌تخیل، بستر تلفیق سایر رشته‌های هنری برنامه را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: قصه، قصه‌گویی، گردش علمی،
گفت‌وگوی آزاد، خلاقیت، زبان‌آموزی

داستان و بحث درباره‌ی اجزا و نتایج آن اقدام کرد. هنگام قصه‌گویی مربی باید از ژست‌های مناسب، حرکات اندام‌ها و چهره، تغییر مناسب شدت و حالات صدا و تا حد امکان تقلید صداهای مختلف برای ایجاد انگیزه در کودکان استفاده کند. (ب) کودک نقش قصه‌گو را ایفا کند که در این حالت مهارت‌های صحبت کردن او تقویت می‌شود و مربی با دعوت دیگران به دقیق گوش کردن به‌طور کلی مهارت‌های شفاهی آن‌ها را ارتقا می‌دهد. به این نوع قصه‌گویی داستان‌پردازی نیز می‌گویند.

البته می‌توان این دو گونه قصه‌گویی را در هم تلفیق کرد؛ مثلاً از کودکان خواست قصه‌هایی را که مربی می‌گوید، با زبان خود بازگویی کنند یا اینکه معلم یک قصه را به‌صورت ناتمام برای بچه‌ها نقل کند و از هر کدام بخواهد با سلیقه خود آن قصه را به پایان برسانند. در این حالت، خلاقیت زبانی کودکان رشد بسزایی می‌یابد و آن‌ها احساس رضایت بیشتری از فعالیت‌های زبان‌آموزی خواهند کرد.

ماندالر و جانسون

معتقدند که گوش دادن به قصه، کودکان را در پرورش این مهارت‌ها یاری می‌دهد: توالی وقایع، شناخت

پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان ثابت کرده‌اند که قصه برای توسعه و پیشرفت زبان، مهارت‌های ادبی، مهارت‌های شنیداری، تقویت قوه ادراک و تخیل، و مهارت‌های مربوط به ایجاد ارتباط با دنیای اطراف کودکان مفید است. از قصه‌گویی به دو صورت می‌توان در تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی کودکان استفاده کرد: الف) مربی نقش قصه‌گو را ایفا کند که در این حالت مهارت‌های گوش کردن کودکان تقویت می‌شود و پس از پایان قصه، می‌توان با استفاده از پرسش و پاسخ، بحث و گفت‌وگو به گسترش



روابط علت و معلولی و درک آغاز و پایان داستان. همه این مهارت‌ها در واقع برای تقویت مهارت خواندن (و خوب گوش دادن) اهمیت دارند. کاملاً مشهود است که کودکانی که در فعالیت‌های قصه‌گویی شرکت می‌کنند، از نظر درک مطالب خواندنی و ذخیره‌ی واژگانی نسبت به دیگران در سطح بالاتری قرار دارند.

مربی می‌تواند پس از گفتن قصه با تلفیق این شیوه با شیوه ایفای نقش، از کودکان بخواهد قصه گفته‌شده را به صورت نمایش اجرا کنند. با این شیوه «نگه‌داشت ذهنی مطالب» در کودکان تقویت خواهد شد.

همچنین، کودکان علاوه بر مشارکت در گوش دادن (شنیدن قصه از زبان مربی)، به فعالیت گفتن نیز خواهند پرداخت (اجرای شفاهی قصه).

کارکردهای قصه برای کودکان

کودکان شیفته قصه و قصه‌گویی هستند و قصه تأثیری عمیق بر روان، زبان، رفتار و شخصیت کودک می‌گذارد. برخی تأثیرات قصه بر کودکان عبارت‌اند از:

• **زبان آموزی:** قصه کودک را با واژگان، اصطلاحات، نام‌ها و ضرب‌المثل‌ها آشنا می‌سازد و از این راه، علاوه بر ایفای نقشی مهم و خطیر در زبان‌آموزی، فرصت خوبی برای اصلاح لغزش‌ها و اشکالات زبانی ایجاد می‌کند.

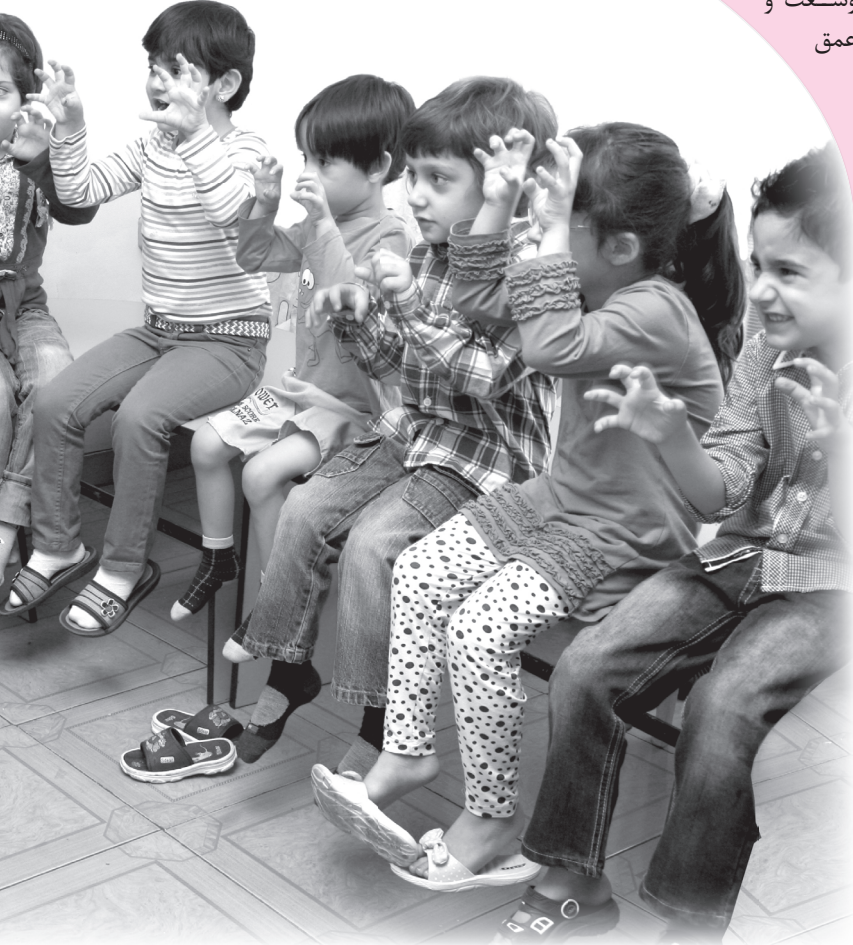
در کنار قصه‌گویی، می‌توان از کودکان خواست تا مثلاً بگویند که نام قهرمان چه بوده، از کجا حرکت کرده، چه دیده، چه گفته و چه کرده است. در قصه، چه عناصر دیگری وجود داشته و ... قصه‌گو چه ویژگی‌ها و قصه چه روندی داشته است. با طرح این پرسش‌ها در پایان قصه، می‌توان به کودکان کمک کرد تا درباره فضای قصه، قهرمانان قصه و حوادث قصه گفت‌وگو کنند

• **انتقال مفاهیم:** قصه به دلیل کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارد، می‌تواند بسیاری از مفاهیم را به کودکان منتقل کند. همچنین، با انتقال مفاهیم، به روش غیرمستقیم، نه‌تنها باعث جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می‌شود، بلکه فهم آن‌ها را عینی‌تر و ساده‌تر می‌سازد. به همین دلیل، قصه‌گویی از جدی‌ترین و بنیادی‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم به دنیای مخاطبان، به‌ویژه کودکان، به‌شمار می‌آید. مفاهیم ساده علمی، طبیعی و حتی معنا و مفهوم واژگان را طی قصه و گاه بدون نیاز به توضیح، می‌توان منتقل کرد.

• **تقویت حس کنجکاوی:** قصه‌ها به علت دربرداشتن زنجیره رویدادها، کودک را وا می‌دارند که به تعقیب حوادث بپردازد یا آنچه را در قصه می‌شنود، در دنیای بیرون جست‌وجو کند. کودک پس از شنیدن قصه، انگیزه‌های بیشتر و کنجکاوی افزون‌تری برای چنین کاری پیدا می‌کند. گفتنی است که ما باید از نیرو و انگیزه‌ای که قصه در کودکان ایجاد می‌کند، بهره‌گیری کنیم.

• **پرورش قدرت تخیل و خلاقیت:** در قصه‌ها عنصر تخیل بسیار قدرتمند و مؤثر است. در بسیاری از قصه‌ها، عناصر تخیلی حضوری بر جسته دارند. تخیل کودک با شنیدن و خواندن داستان پرورش می‌یابد. گاه دیده شده است که کودک هنگام بازگو کردن داستانی که شنیده است، به دخل و تصرف در آن می‌پردازد یا داستانی بر همان مبنا می‌سازد. اگر این تخیل جهت داده شود، راهی برای کشف استعداد کودکان است. از منظر دیگر، کودکان هنگام گوش دادن به قصه، عناصر، فضا و حوادث آن را در ذهن خویش می‌آفرینند و معمولاً خود را در جای قهرمان قصه قرار می‌دهند؛ به این ترتیب، حداقل تا پایان قصه غرق تخیل‌اند.

با طرح پرسش‌هایی در پایان قصه، می‌توان این فضای تخیل و تجسم خلاق را وسعت و عمق



نصیحت باز نشود و قصه آموزنده و عبرت آموز باشد، چنین تأثیری را به صورت پنهان و پیدا در رفتار کودک خواهد داشت.

• **تعامل اجتماعی:** اگر کودکان در جریان قصه فعال شوند، حتماً قبل از گفتن قصه، از آن‌ها بخواهیم که در پرسش و پاسخ‌های بعد از قصه شرکت کنند و نظر خود را در مورد قصه و قصه گو بگویند، توجه و دقت شنوایی آن‌ها تقویت می‌شود. همچنین، زمینه‌ای فراهم می‌شود که آن‌ها با سخن گفتن و بیان احساسات، شیوه‌های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. این شیوه، به‌ویژه برای کودکان خجالتی و انزواطلب بسیار کارآمد و مؤثر است.

• **پیوند فرهنگی:** قصه‌های قدیمی عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز و گذشته‌اند. کودکان با شنیدن این قصه‌ها به آرمان‌ها، آرزوها، رنج‌ها و شادی‌ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان پی می‌برند. گویی قصه‌ها پلی هستند که کودکان امروز را به روزگار گذشته می‌برند. این نوع قصه‌ها نوعی آموزش تاریخی نیز هستند؛ چون از لابه‌لای آن‌ها، تصویری از گذشته فراروی خواننده یا شنونده قرار می‌گیرد.

منابع

۱. مجیب، فرشته و دیگران؛ **فعالیت‌های آموزشی پیش دبستانی**، شرکت چاپ نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، ۱۳۸۴.
۲. زندی، بهمن؛ **زبان آموزی**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۳.
۳. صفوی، امان‌الله؛ **کلیات روش‌ها و فنون تدریس**، معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
۴. کول، ونیتا؛ **برنامه آموزش و پرورش پیش از دبستان**، ترجمه فرخنده مفیدی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۴.

<http://goroohedarsi.mihanblog.com>
<http://rhmani.blogfa.com>

بخشید. همراهی نغمه‌ای مناسب نیز به وسعت و عمق تخیل کمک می‌کند. برای ثبت این فضا که خود زمینه‌ساز بروز استعدادها و خلاقیت کودکان است، می‌توان نقاشی و کار دستی مناسب برای قصه و نمایش آن را در زمره فعالیت‌های هنری قرار داد.

• **آشنایی با واقعیت‌های زندگی:** کودک با شرکت کردن در تجربه‌های تلخ و شیرین قهرمانان قصه، با واقعیت‌ها آشنا می‌شود و روش‌های مواجهه با مشکلات را درمی‌یابد. به قول شارل پرو: «کودکان را می‌توان از طریق قصه‌های دل‌چسب و دوست‌داشتنی متناسب با توانایی‌های آنان با واقعیت‌های زندگی آشنا کرد. آن‌ها در موقع گوش دادن به قصه، مفاهیم پنهان در لابه‌لای واژه‌ها را درک می‌کنند؛ هنگامی که قهرمان داستان در مرداب بدبختی غوطه می‌خورد، آن‌ها غمگین و نگران می‌شوند و وقتی که به جاده خوشبختی قدم می‌گذارد، فریادی از شوق برمی‌آورند و اگر بخت با شخصیت بد داستان یار شود، بی‌صبرانه انتظار می‌کشند تا او به سزای کارهای زشتش برسد. این‌ها همه دانه‌هایی است که در دل کودکان کاشته می‌شود و تأثیر آن بروز حرکتی از سر شادی یا غم است که خود، نشان از بارور شدن ذهن آن‌ها دارد.» (فرهنگنامه ادبیات کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶)

• **انتقال ارزش‌ها:** همراهی با قهرمانان قصه باعث می‌شود که صفات، فضایل و ارزش‌های آنان با روح و جان کودک آمیخته شود. وقتی قهرمان به‌خاطر خوبی، بخشش و صداقتش مورد حسد یا ستم واقع می‌شود و سرانجام، همین ویژگی‌ها او را نجات می‌دهد، عشق‌ورزی به این ارزش‌ها همچون بذری در نهاد کودک افشانده می‌شود و میل به گریز و پرهیز از کسانی که زشتی‌ها و بدی‌ها را منتشر می‌کنند، نیز در وجود او بارور می‌شود.

• **اصلاح رفتار:** قصه‌ها می‌توانند به اصلاح، بهبود و تغییر رفتار کمک کنند؛ به عبارت دیگر، مقصود قصه

عبرت‌آموزی بوده است. تردیدی نیست که اگر در پایان قصه، باب موعظه و

